

نمادهای اساطیری تیشتر و ورثرغنه بر روی مهرهای دوره ساسانی

دکتر غلامعلی حاتم
سمیرا داناسرشت

چکیده: اساطیر از مسائل مهم هر ملتی هستند که از تخیل و باورهای انسان در گذشته شکل گرفته است. این تخیلات در قالب نمادها به تصویر درآمده که هر کدام معرف بخشی از عقاید و رموزی می‌باشد که به توجیه و تبیین جهان و پدیده‌ها می‌پرداخته است، پس می‌توان گفت که اسطوره و هنر، هر دو فرایند تخیل و رویا می‌باشند. تخیلاتی که در قالب طرح‌ها و نقوشی هستند که امروزه ما آن‌ها را آثار هنری می‌دانیم و رابطه‌ای مستقیم با فهم و اندیشه و فرهنگ آن دوره و تمدن دارد، بنابراین می‌توان با بررسی طرح‌ها و نقوش اساطیری این آثار به جنبه‌های مختلف تمدن‌ها دست یافت.

به همین منظور در این پژوهش سعی بر آن است تا جنبه‌های هنری اساطیر دوره ساسانی که در قالب نماد جلوه‌گری می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که مهرها از کهن‌ترین آثار به جا مانده ادوار کهن می‌باشند و سهم بارزی در شناسایی بسیاری از جنبه‌های مختلف ادوار گذشته را دارند تلاش بر آن است تا با بررسی نمادهای اساطیری حک شده بر روی مهرها مانند تیشتر و ورثرغنه به راز و رمزهای نهفته در آنها پی برده شود. بر روی نقوش مهرهای این دوره تحقیقاتی صورت گرفته اما در خصوص جنبه‌های نمادین و اسطوره‌ای آن به طور جامع تحقیقی صورت نگرفته است، بطور حتم بررسی نمادها و اساطیر این دوره یکی از راه‌های کشف باورهای دینی، عقاید آنان در مورد طبیعت، زندگی و مرگ می‌باشد. از این رو لازم است تا جنبه‌های هنری نمادهای اساطیر این دوره به دلیل فراوانی مهرها و در نتیجه تطبیق درست‌تر و منطقی‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نماد، اساطیر، خدایان باستانی، مهر، تیشتر، ورثرغنه، ساسانی

مقدمه

بهترین سنگ‌های قیمتی است. حکاکی به قصد طلب حمایت و حفاظت الهی، هدف غایی بسیاری از مهرهای ساسانی است. شمار زیادی از نقش مهرهای ساسانی، گونه‌هایی با مفاهیم اساطیری هستند که به معانی دینی، طالع یا برای دور کردن شر و بدی تعبیر می‌شوند. در این میان بخشی از مهرهای این دوره، خدایان یا به طور غیر مستقیم با به تصویر کشیدن چیزهای مرتبط با آن-که برخی احتمالاً ارزش طلسمی داشته است- یا به طور مستقیم با تصویر کردن خود خدایان یا غالباً چهره‌هایی که نشان جادویی آنان است، یا به صورت رمز گونه با نمادها- که برخی نشانه‌های قراردادی باستانی بودند و برخی دیگر همان زمان‌ها از ترکیب ویژگی‌های قانونی یا صرفاً خیالی خدایان ساخته شده بودند- به یاری خوانده می‌شوند.

به منظور آشنایی بیشتر با نمادهای اسطوره‌ای خدایان باستانی در دوره ساسانی، در این پژوهش به بررسی خدایان باستانی تیشتر و ورثرغنه، دو ایزد بزرگ این دوران می‌پردازیم. امید است این تحقیق راهگشایی برای آشنایی بیشتر با باورها و اعتقادات گذشتگانمان باشد.

تحقیق و بررسی بر روی نقوش مهرها برای آشنایی با تاریخ گذشتگان سندی معتبر و گویا است. وسیله‌ای که انسان بدوی توسط آن خواسته‌های مادی و ظاهری و امیال و محسوسات روحی و فکری خود را به صورتی ساده اما پر معنا منعکس کرده است.

مهر برای حصول یک مقصود یا تلفیقی از سه هدف مشخص به کار گرفته می‌شده است ممکن بود از شیء یا سند مهر شده یا صاحب آن در برابر تأثیر عوامل نحس فراطبیعی حفاظت کند، ممکن بود شناسای تملک باشد، و یا تسجیل و تصدیق اصالت به صورت جایگزین امضا، یا تأیید امضا باشد. مهرهای پیش از تاریخ احتمالاً بدو، و شاید هم منحصرأ، برای دفع بلا و چشم زخم بودند؛ زیرا نقش‌هایی که در آنهاست ارتباطی با فرد یا حتی خانواده‌ای ندارد. بنابراین، نقوش جانوری این مهرها در اصل می‌تواند ارتباطی توتمی با واحدهای بزرگ‌تر اجتماعی داشته باشد. عهد ساسانی را باید یکی از درخشان‌ترین ادوار هنر و صنایع ایران دانست. در این دوران هنر حکاکی و مهرسازی به اوج خود رسید، به گونه‌ای که جنس مهرهای این عهد از

* نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه هنر. gh.hatam@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور تهران. danaseresht.samira@gmail.com

◆ تیشتر

ماهدرخت است، همواره به صورت نخل نمایش داده می‌شود. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۹۹۰)



تصویر ۱ مهر ساسانی با نقش تیشتر، کتابخانه ملی پاریس (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷)

نقش دیگری که احتمالاً از تیشتر طلب یاری می‌کرده است، ستاره ای بزرگ است؛ زیرا با آن که دیگر ایزدان دارای پیوندهای اختری خاص خود هستند، تیشتر به عنوان «ستاره اول، ستاره درخشان و با شکوه» نام برده شده است. (همان، ۱۳۸۷، ۹۹۰) (تصویر ۲ الف و ب)



تصویر ۲ الف و ب: مهر ساسانی با نقوش صور فلکی (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۹۹۱) الف. عقیق جگری، مجموعه اکرم. ب. موزه هنری متروپولیتن

در یشت هشتم اوستا آمده است که تیشتر ستاره‌ای است سپید، درخشنده و نور پیدا، سرشت آب دارد، توانا است، سرور همه ستاره‌ها و در ستایش و نیایش هم تراز اهورامزدا آفریده شده که اگر چنین نمی‌بود پری خشکسالی همه جا را از میان می‌برد. اگر او را بستایند دشمن و گردونه‌ها و درفش‌های ایشان و بیماری‌ها به سرزمین‌های آریایی وارد نخواهد شد. طلوعش همزمان با تازش دوباره چشمه‌های آب است. (فرید، ۱۳۸۳، ۲۹-۲۲)

ماه در آیین زرتشت جزء ایزدان به شمار می‌رود. ماه نیز از ایزدانی است که در اوستا ستایش شده است، که با فروغ ماه در بهاران گیاه سبز از زمین می‌روید و نیز از توانایی درمان بخشی امر یاد شده است. در بندش خورشید و ماه، سردار اخترانند. خورشید روشنایی بخش، پاک کننده

تیشتر یا تیشتریه از خدایان باستانی و ایزدی است که با یکی از نمودهای طبیعی یعنی باران پیوند دارد و مفهوم دوگانگی در شخصیت این خدا وجود ندارد. وی نیروی نیکوکاری است که با پوشه ابلیس خشکسالی و تباه سازنده زندگی می‌ستیزد. تیشتر خاستگاه آنها و باران و باروری است. چهارمین ماه سال به تیشتر اختصاص دارد. می‌گویند تیشتر در دهه اول این ماه به شکل نوجوانی پانزده ساله به صورت مردی جوان و بلند قامت در می‌آید تا در آسمان پرواز و از ابرها بر زمین باران بفرستد. تا آب زمین را فرا گیرد و جانوران مودی از میان برود - که پانزده سالگی در اندیشه ایرانیان سن آرمانی است- و در دهه دوم به شکل گاو نر زرین شاخ در می‌آید و در آسمان پرواز می‌کند و در دهه سوم به شکل اسبی در می‌آید زیبا و سفید و در آسمان پرواز می‌کند. در روایتی تیشتر در آغاز آفرینش به این اشکال در آمد و باران را آفرید. (بهار، ۱۳۸۹، ۳۲)

◆ نماد تیشتر

تیشتر یا آورنده باران با شعرای یمانی، صورت کلب اکبر، شناسایی می‌شد و نشان دهنده روزهای پیش از آغاز فصل بزرگ باران بود. ارتباط اعتقادی میان ماه و تیشتر حتی امروزه نیز بین کشاورزان رایج است که منازل ماه بر طوفان اثر می‌گذارد و از جهت حاصلخیزی باید گرمی داشته شود؛ زیرا کار حیاتی بذر افشانی و کشت و زرع متکی بر آن است. (عفی، ۱۳۷۴، ۴۷۶) سه مورد تجسد تیشتر برابر با تجسدهای ورثرخنه است: گاو با شاخ‌های زرین، اسب سفید با گوشه‌های زرین و گراز. این تقارن احتمالاً اتفاقی نیست، چرا که فتح نمایان خدای خورشید در کهن‌ترین اساطیر خاورمیانه و نزدیک تسخیر و تصرف طوفان است، و غالباً در نظام توتمی، معمولاً توتم مغلوب را از آن خود می‌کند. به سبب این همانندی تجسدها، مهرهای منقوش به گاو و اسب می‌توانند به او مربوط باشند.

ماهی نماد فصل باران است؛ موجودی که سیطره غربی بر موجودات دریایی دارد و همانند اسب تک شاخ تیشتر ریش‌دار دارای بال است. این عضو گروه با نقش سنتی ماه ریش‌دار گاه در یک مهر عقیق در کتابخانه ملی پاریس به شکلی واحد ظاهر می‌شود (تصویر ۱). موجودی افسانه‌ای پدیدار شده دارای سر انسان با پیش تنه گاو و دم ماهی است که جای فرود مرد جان برهنه‌ای ظاهراً تیشتر است و در گوشه مقابل یک سر گاو که احتمال دارد بازنمایی دیگری از گاو یکتا آفریده با یادآور روان گاو باشد. در زیر همه این گروه یک شاخه نخل که ظاهراً اشاره به

رودها می شده است که برای مردمان ایران زمین که در یک منطقه خشک و کم آب زندگی می کنند حائز اهمیت بوده و این حیوان که در کوهها زندگی می کرده است نشان دهنده آب و مزه دهنده این مایه حیات بوده است که به اینگونه در طول زمان دارای اهمیت شده است و به همین دلیل شاید سنبل آب و باران شناخته شده است و مردم با قربانی کردن آن از خدای خود درخواست بارش باران می کردند. (همان، ۱۳۷۲، ۵۰-۴۰) (تصویر ۵ الف و ب)



تصویر ۵: مهر ساسانی با نقش بز کوهی، الف: مجموعه خصوصی اتریش (سایت: sigilla.at) و ب: موزه ملی ایران

♦ ورثرغنه

بهرام یا ورثرغنه از مفاهیم زرتشتی و از ایزدان ایرانی است که نام او به معنای مانع شکن و پیروز می باشد. او وجودی است انتزاعی یا تجسمی است از یک اندیشه و تعبیری است از نیروی پیش تاز و غیر قابل مقاومت پیروزی. ورثرغنه در ده مظهر جسمانی مختلف به زمین آمد که هر کدام از آنها مبین نیروی پویای این خداست. نخستین تجسم او باد تند است، تجسم دوم او هیئت گاو نر زرد گوش و زرین شاخ است، سومین هیئت اسب سفیدی است با ساز و برگ زرین، چهارمی هیئت شتر بارکش تیز دندانی است که پای بر زمین می کوبد و پیش می رود، پنجمی هیئت گراز تیزدندانی است که به یک حمله می کشد، هم خشمگین است و هم زورمند، ششمی هیئت جوانی است به سن آرمانی پانزده سالگی، هفتمی هیئت پرنده تیز پروازی است که شاید کلاغ باشد، هشتمی هیئت قوچ وحشی است، نهمی بز نر جنگی است، و بالاخره دهمی مردی است که شمشیری زرین تیغه در دست دارد. شباهت این شکل های بهرام و تیشتر که هر دو بصورت مرد و گاو نر و اسب در می آیند. (هینلز، ۱۳۸۸، ۴۱)

♦ نماد ورثرغنه

مهرهایی که در آن نقش ورثرغنه را می توان بی تردید شناسایی کرد مشتمل بر گروهی است که در آن پیش تنه تجسم های گوناگون او به شکل طرح گردونه ای دوار چیده شده اند که یادآور مسیر گردش خورشید است. از آن جا که تجمع تجسدهای پیش تنه ای در کنار یکدیگر باید به

ناپاکی ها و دورکننده دیوان است و ماه به وجود آورنده حیوانات و گیاهان و استمرار جهان خاکی است. (کریمی، ۱۳۸۱، ۱۱۷-۱۱۲) (تصویر ۳)



تصویر ۳ مهر ساسانی، سنگ همتایت، مجموعه خصوصی اتریش (سایت: sigilla.at)

یکی دیگر از نمادهای باران بز کوهی است، که شاخ های برگشته آن نماد و نشانه ماه هستند که حلال آن را نشان می دهد و چون میان شاخ های خمیده بز کوهی و هلال ماه نیز رابطه ای وجود داشته از این رو مردم باستان را عقیده بر این بود که، شاخ های خمیده بز کوهی در نزول باران مؤثر است. (تصویر ۴ الف و ب) شاید یکی از دلایل مقدس بودن این حیوان در نزد مردمان باستان این باشد که آن را یک حیوان کوهی و از جانب خدایان خود که در کوهها بوده می دانسته و برای آن اهمیت خاصی قائل بوده اند و از این حیوان در مراسم مذهبی خود برای قربانی کردن استفاده می شده است که از این طریق خدای خود را خشنود کنند و توجه آن خدا را جلب نموده و خشم او را فروکش نمایند. و شاید آن را حیوانی از طرف خداوند می دانسته اند برای قربانی کردن. (مالوان، ۱۳۷۲، ۵۰-۴۰)



تصویر ۴: الف و ب مهر ساسانی با نقش بز کوهی، عقیق جگری (سایت: ancientresource.com)

دلیل دیگر این است که کوهها جاری کننده آبها و آبریزهایی هستند که زمین های اطراف خود را سیراب می کنند و با آب شدن برف زمستانی خود باعث جاری شدن



تصویر ۸: مهر ساسانی با نقش شتر



تصویر ۹: مهر ساسانی با نقش شتر (سایت: ancientresource.com)



تصویر ۱۰: مهر ساسانی با نقش قوچ، بشم ختایی (مجموعه خصوصی اتریش)



تصویر ۱۱: مهر ساسانی با نقش گوزن لمیده، عقیق، مجموعه خصوصی اتریش (سایت: sigilla.at)

ورث‌رغنه ارجاع داده شوند، چرا که تقارن مکرر مجموعه پیچیده‌ای از این دست بسیار غیر محتمل می‌نماید، می‌توان چنین پنداشت که پیش‌تنه‌های تک‌افتاده از همان جانوران نیز خواستار حمایت اویند. مخصوصاً سرهای اسب، قوچ، گوزن یا گراز (تصویر ۶)، سر اسب همواره بالای بال‌های عقاب نشان داده می‌شود. نقش سر گراز در مهر خسرو دوم به کار گرفته شده است که از طریق آن فرمان‌های مرتبط به تنبیهات اساسی مهر می‌شد و نیز گردن محکومان با این مهر مهمور می‌شد که نمایشش عالی از مناسبت، دست کم برخی از نقوش مهر است؛ زیرا زمانی که ورث‌رغنه به زمین آمد تا گنهکاران اخلاقی را تنبیه کند، به شکل گراز بود. این جانور دارای نیرویی فوق‌طبیعی است و سر این حیوان تجسمی از ورث‌رغنه، خدای جنگ و پیروزی است. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۹۸۴)



تصویر ۶: مهر ساسانی با نقش سر گراز، موزه ی بریتانیایی (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷)

باز هم هنگامی که جانوران تجسم ورث‌رغنه به طور کامل نقش می‌شوند، احتمالاً دست کم در برخی از آن‌ها آن جانوران بازنمایی او هستند: اسب (تصویر ۷)، شتر (تصویر ۸ و ۹)، قوچ (تصویر ۱۰)، گوزن لمیده با گیاه پشت سر آن (تصویر ۱۱) و گراز. (همان، ۱۳۸۷، ۹۸۶)



تصویر ۷: مهر ساسانی با نقش اسب، عقیق

این صورت‌های نسبتاً بی‌واسطه تنها محدود نفوذ ورث‌رغنه نیست که ثبت شده است. این قهرمان آسمانی قرینه زمینی خود را در افسانه بهرام گور داشت و آن قرینه زمینی روی مهرها، همانند ظروف نقره جایگاه یافته است. بدین ترتیب، مهرهایی از اواخر دوران ساسانی در دست است که داستان بهرام گور و آزاده را به تصویر می‌کشند (تصویر ۱۵) سواری با شیری که در مقابل سر اسب او به پا خاسته است، احتمالاً نمایش دیگری از شخصیت خورشیدی شاه است. (همان، ۱۳۸۷، ۹۸۶-۹۸۴)



تصویر ۱۵ مهر ساسانی، بشم ختای، مجموعه خصوصی اتریش (سایت: sigilla.at)

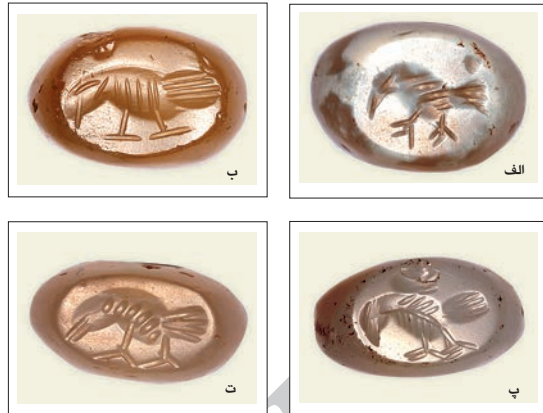
نتیجه‌گیری

مطالعه بر روی نمادهای اساطیری مهرهای ساسانی روشن می‌سازد که موضوعات حک شده در برخی سنگ‌های گرانبها، فقط صحنه‌های کوچک ساده نیستند، بلکه دارای معانی سحرآمیزی برای جلب لطف یا حمایت نیروهای خدایی برای مالکان آنها هستند. مثلاً تیشتر ایزد آورنده باران است. نماد او بر روی مهرها ماهی، ستاره ای بزرگ که از او طلب یاری می‌کند و همچنین بز کوهی است. احتمالاً از این مهر جهت خروشان شدن چشمه های آب استفاده می‌شده است و هدف از حمل آن یاری گرفتن از این ایزد جهت حاصلخیزی و رونق بخشیدن به مزارع بوده است. همچنین می‌توان گفت مضمون ورث‌رغنه برای پیشبرد جنگ به سوی پیروزی است و نمادهای او بر روی مهرها به شکل حیواناتی ظاهر می‌شود که مظاهر جسمانی این ایزد می‌باشند. قابل به ذکر است گاهی این ایزد آسمانی قرینه زمینی‌اش در افسانه بهرام گور ظاهر می‌شود. احتمالاً از این مهر جهت پیروزی در اموری چون جنگ استفاده می‌شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- تیشتر در اوستا تیشتریه، در پهلوی تیشتر و در فارسی صورت تغییر یافته آن یعنی تیر گفته می‌شود که نام چهارمین ماه سال و

پرنده کلاغ که نمایش تجسم هفتم می‌باشد همان مرغ وارغنه است. وارغنه بطور معمول به عنوان کلاغ سیاه (پرنده‌ای گرانقدر) شمرده می‌شود. (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۲: الف، ب، پ، ت مهر ساسانی با نقش کلاغ (مجموعه خصوصی اتریش الف: عقیق، ب: سنگ کریستال)

گروه جانوران معرف ورث‌رغنه نیز وجود دارند؛ مثل گاو یا قوچ لمیده‌ای که کلاغ بر پشت آن نشسته است (تصویر ۱۳ و ۱۴) یا قوچ و گوزن لمیده روبروی هم در دو سمت درختی نشان داده می‌شوند. شکل‌های کاملاً خیالی جانوران ترکیبی هم، مخصوصاً نوعی با بدن خروس در برابر خورشید طالع و سر یک بز، قوچ یا گوزن ظاهر می‌شود. این که مجموعه نقوش معرف ورث‌رغنه باید هم در تنوع نقوش و هم در تعداد نمونه‌ها چنین گسترده باشند، تعجب آور نیست؛ زیرا ورث‌رغنه، به عنوان خدای ملی، طبعاً از بیشترین پیروان برخوردار بوده است.



تصویر ۱۳ گاو یا قوچ لمیده ای که کلاغ بر پشت آن نشسته کتابخانه ملی پاریس (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷)



تصویر ۱۴ گاو یا قوچ لمیده ای که کلاغ بر پشت آن نشسته، عقیق، مجموعه خصوصی اتریش (سایت: sigilla.at)

روز سیزدهم هر ماه گاهشماری اعتدالی خورشید است.
(انوری، ۱۳۸۱، ۱۶۲۳)

۲- تجسد به معنای جسمیت یافتن، به صورت جسم در آمدن.
(معین و شهیدی، ۱۳۴۵، ۷۲۲۴)

◆ فهرست منابع

۱- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۲- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۹.
۳- پوپ، آرتور، آپم و فیلیس اکرمین و سیروس برهام، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد دوم، دوره ساسانی، ترجمه: نجف دریا بندری و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

۴- فرید، امیر، جام اساطیر، تهران، انتشارات کلهر، ۱۳۸۳.
۵- عقیقی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایرانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
۶- کریمی، سعید، نمادهای آیینی، کتاب ماه هنر، شماره ۴۷ و ۴۸، (مرداد و شهریور ۱۳۸۱).

۷- هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه: زاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۸.

۸- مالووان، م. ا. ل، بین‌النهرین و ایران باستان، ترجمه: رضا مستوفی، انتشارات، تهران، ۱۳۷۲.

۹- معین، محمد و سید جعفر شهیدی، لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۴۵.

۱۰- زمستان ۱۳۹۰، www.sigilla.at.

۱۱- زمستان ۱۳۹۰، www.ancientresource.com.

Archive of SID

